

رویت‌های عباسی کیاروستی

روبرت صافیان

www.ketab.ir

سرشناسه : صافاریان، روبرت، ۱۳۳۶ -
 عنوان پدید آورنده : سینمای عباس کیارستمی / روبرت صافاریان.
 مشخصات نشر : تهران: روزنه، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۲۵۶ ص.؛ مصور: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۸۶-۰۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 موضوع : کیارستمی، عباس، ۱۳۱۹ - -- نقد و تفسیر.
 موضوع : سینما -- ایران -- تهیه کنندگان و کارگردانان
 رده بندی کنگره : PN ۱۹۹۸/۳/۰۹۶ ص ۱۳۹۴
 رده بندی دیویی : ۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۹۲
 شماره کتابشناختی ملی : ۴۱۷۴۹۵۴



سینمای عباس کیارستمی

روبرت صافاریان

طرح جلد: بزرگمهر حسین پور

صفحه آرا: اکرم مداح

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: شادرنگ

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۶۳۱-۸۸۸۵۳۷۳۰ ☎️ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

شابک: ISBN: 978-964-334-586-0 ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۸۶-۰۰

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است ❄️

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۵	دوره نخست: پیش از انقلاب
۱۷	فصل یکم: پیش از مسافر (۱۹۷۰-۱۹۷۱ م)
۲۹	فصل دوم: مسافر
۴۹	فصل سوم: فیلم‌های آموزشی
۵۳	فصل چهارم: گزارش
۸۱	فصل پنجم: جمع‌بندی دوره پیش از انقلاب
۹۱	دوره دوم: از انقلاب تا اوائل دهه هشتاد
۹۳	فصل ششم: بعد از انقلاب، پیش از جشنواره‌ها
۱۰۹	فصل هفتم: خانه دوست کجاست و مشق شب: افراط و تفریط
۱۳۵	فصل هشتم: کلوز آپ نمای نزدیک
۱۵۳	فصل نهم: دهه هفتاد: چهارگانه «زندگی ادامه دارد»
۱۷۹	دوره سوم: دهه هشتاد تا امروز
۱۸۱	فصل دهم: ده: بازگشت به زن و به شهر
۱۹۳	فصل یازدهم: فیلم‌های تجربی: شیرین، پنج، راه‌ها
۲۰۹	فصل دوازدهم: فیلم‌های خارجی
۲۲۵	پایان سخن: پست مدرن عامی

پیشگفتار

چرا کتابی درباره عباس کیارستمی؟ پاسخ این پرسش سهل و ممتنع است. کیارستمی مهم‌ترین فیلم‌ساز ایرانی در سطح بین‌المللی است. فیلم‌شناسان بسیار معتبری می‌گویند او سبک و زبان سینمایی خاص خود را به وجود آورده است. در ایران کسانی، آگاهانه یا ناخودآگاه، از سبک او پیروی یا تقلید می‌کنند و از سبک کیارستمی وار گفت‌وگو می‌شود. امروز بسیاری از اهالی کشورهای دیگر سینمای ایران و حتی کشور ایران را با او و با فیلم‌های او می‌شناسند و کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره او به زبان‌های خارجی نوشته شده است. در مقایسه با حجم انبوه نوشته‌هایی که به زبان‌های دیگر درباره عباس کیارستمی وجود دارد، چیز اندکی به زبان فارسی درباره او به نگارش در آمده است، در حالی که دیدگاه‌های ایرانی‌ها درباره او به طور طبیعی بسیار متفاوت از دیدگاه‌های خارجی‌هاست. به همین سبب نیاز به تدوین کتاب جامعی درباره عباس کیارستمی که همه دوره‌های فعالیتش را در بر بگیرد، بدیهی می‌نماید.

اما این پاسخ خیلی کلی است. موضوعات زیادی وجود دارند که ضروری است درباره‌شان نوشته شود. چرا نویسنده به سراغ یکی از آن‌ها می‌رود و یکی را برمی‌گزیند؟ واقعیت این است که نوشتن درباره عباس کیارستمی برای من چالش هیجان‌انگیزی است. من جزو آن گروه از منتقدانی نیستم که موفقیت جهانی کیارستمی (و سینمای ایران) را محصول دسیسه‌های جهانی می‌دانند و

معتقدند او فیلمسازی بلد نیست. جزو کسانی هم نیستم که همه فیلم‌های او را درست می‌ستایند و هیچ انتقادی به کارهای او وارد نمی‌دانند. معتقدم کیارستمی هنرمند بسیار مهمی است. یکی از چند سینماگر مهم ایرانی است. هنرمند بزرگ و در ضمن هنرمند بسیار خاص و منحصر به فردی است. اگر می‌گویم هنرمندی بزرگ و نه کارگردان یا سینماگری بزرگ، به این سبب است که به گمانم او را به عنوان «هنرمند» بهتر می‌توان فهمید تا صرفاً فیلمساز. پرداختن به سینمای او و پرداختن به شماری از پرسش‌های مهم نقد هنر و نقد سینمایی مانند مفهوم رئالیسم، رابطه هنر و واقعیت، بازیگری و طبیعی‌نمایی، مرز بین سینمای مستند و داستانی و ... را الزامی می‌کند. و همین‌طور پرداختن پرسش‌های جذابی درباره رابطه هنرمند و جامعه، رابطه جهانی شدن و بومی بودن را الزامی می‌کند.

نوشتن این کتاب یک بار ده سال پیش شروع کردم، و به دلایلی نیمه‌تمام گذاشتم در حالی که تقریباً نیمی از آن نوشته شده بود، یعنی بخش مربوط به دوره پیش از انقلاب. آن زمان هنوز فیلم مستند جفت شیش را درباره زندگی و آثار فیلمساز سرشناس سینمای ایران، مسعود کیمیایی (با کارگردانی مشترک احمد میراحسان) و فیلم مستند در فاصله دو کوچ را در باره زندگی و آثار آزاد ماتیان، شاعر نه‌چندان سرشناس ارمنی-ایرانی، ساخته بودم. تجربه ساختن فیلم درباره این دو هنرمند با همه تفاوت‌هایشان از من در موضعی قرار می‌دهد که می‌دانم فیلم ساختن (یا کتاب نوشتن) درباره این دو هنرمند در عین حال بیان خویش است و این امر هم درباره هنرمندی که دوستش می‌داری صادق است و هم درباره هنرمندی که نظری بیشتر انتقادی به کارهایش داری. در هر دو حال اما، چه آن‌جا که علاقه‌ات را باز می‌شکافی و چه آنجا که این یا آن هنرمند را نقد می‌کنی، در عین حال عقاید و احساسات خودت را نیز بیان می‌کنی. و البته این خود - بیانگری باید کنترل شود و کنترل شده و در نهایت موضوع کتاب همان است که روی جلدش نوشته شده است: سینمای عباس کیارستمی.

وقتی درباره فیلمسازی می‌نویسی که بیش از چهل سال فیلم ساخته است و اساساً خود عنوان بالا، گویای این است که از زاویه نگره مولف به موضوعت

می‌نگری. فیلم‌ها در ارتباط با هم و به عنوان اجزای به هم پیوسته متنی واحد دیده می‌شوند. آن عباس کیارستمی که نان و کوچه را ساخت همان عباس کیارستمی است که مثل یک عاشق را ساخته است، همان آدم است و در عین حال آن آدم نیست. آن چه در کارش تداوم داشته و باعث می‌شود کیارستمی نان و کوچه را در شیرین یا ده یا مثل یک عاشق نیز بازبناسیم و آن چه عوض شده است و چه بسا صدو هشتاد درجه، هم به سن مربوط است، همه به انباشت تجربه مشخص فیلمسازی، هم به شرایط بیرونی و تصادف‌هایی که قهرمان ما را برده‌اند به جای ده شاید نمی‌خواسته و هم تصمیمات آگاهانه‌ای که فیلمساز گرفته برای تغییر مسیر این مسیر پرپیچ‌وخم واقعی است که می‌توان نامش را تکامل و پختگی گذاشت، آن را سقوط و انحطاط نام داد، یا صرفاً فارغ از ارزشگذاری، دگرگونی‌اش خواند.

اما تفاوت هنرمند با نگاران این است که در مسیر چندده‌ساله زندگی و فعالیت هنری‌اش، مدارکی از خود به جا نگذارد که مهم‌ترین آثارش هستند. فیلم‌های عباس کیارستمی هر یک تکه‌هایی از زندگی‌اش، احساساتش و اندیشه‌اش در زمان ساخت هستند، ردی هستند که او در مسیر زندگی‌اش از خود به جا گذاشته است و با مرور ایام خود نیز می‌تواند از بیرون به آن‌ها بنگرد، انگار کارهای آدم‌های دیگری هستند. در کنار فیلم‌ها، مصاحبه‌ها، اظهارنظرها هم هستند و همین‌طور فیلم‌هایی که درباره او ساخته شده‌اند. هرمان این کتاب خوشبختانه در طول کارنامه خود طی چند دهه در مصاحبه‌های متعدد به سبب اکران فیلم‌های گوناگونش و بخصوص در سال‌های اخیر، سخن بسیار گفته است و برای نوشتن این کتاب نیازی به مصاحبه مخصوص با او نبود. و البته بدین آن هم، حجم مواد خام موجود برای نوشتن کتابی در این اندازه، زیاد است و زیادی اطلاعات بر خلاف تصور همگانی همواره به نتیجه بهتری منتهی نمی‌شود. کما این که بسیاری از این اطلاعات می‌تواند تکراری و پیش‌پاافتاده یا به قول امبرتو إکو «نویز» باشد.

پس کتابی که در دست دارید کتابی است درباره عباس کیارستمی، اما زندگی‌نامه

او نیست. کتابی است درباره آن عباس کیارستمی‌ای که از فیلم‌ها و مصاحبه‌ها و گزینه‌گویی‌هایش قابل استخراج است. دنبال اطلاعات زندگی‌نامه‌ای نبوده‌ام، اما به هر رو با هنرمندی طرفیم که خواه‌ناخواه چیزهایی درباره زندگی شخصی‌اش می‌دانیم، حتی دوستان مشترکی داریم و آشنایی شخصی با برخی از بستگانش و این دانسته‌ها در این که فیلم‌هایش را چگونه بفهمیم، نقش بازی می‌کنند. همین طو، برخی از برخوردها و مشاجرات او با هنرمندان دیگر بر سر مسائل گوناگون نه گاه مطبوعاتی شده‌اند، مانند اظهار نظرهای بهمن قبادی یا ابراهیم حاتمی کیا درباره او و برخوردهای هنرمند ما، خواه‌ناخواه به عنوان اطلاعاتی فرامتنی، بر ارزیابی‌ای ما تاثیر می‌گذارند. خود را به آن راه نمی‌زنیم که مثلاً نمی‌دانیم موقع ساختن گزارش کیارستمی در زندگی واقعی نیز مشکلات زناشویی داشته یا رابطه‌اش با فرزانش را نگاهش به دنیای کودکان نقش بازی کرده یا ... اما هدف این کتاب کندر او در زندگی شخصی عباس کیارستمی نیست، این کتابی است درباره سینمای کیارستمی. اما سینمای کیارستمی هم جدا از شخص عباس کیارستمی نیست و فیلم‌هایش پس از گفتیم مدارکی هستند که سیر این زندگی را به خوبی به نمایش می‌گذارند، حتی لایه‌هایی عمیق‌تری از این زندگی را، و تحول اندیشه‌ها و پیش‌ها و ساختار احساسی او را. این همان جایی است که یک شوق نگره مولف به آن رسید: بر ساختن مولف از روی فیلم‌هایش، نه همانند نگاه سنتی، فهم آثار مولف از روی زندگی‌نامه‌اش. در این دیدگاه، موثق‌ترین اسناد درباره حقیقت وجود هنرمند آثارش هستند؛ تکه‌هایی از هستی او. به عبارت دیگر، این نوشته تا حدود زیادی متن‌محور خواهد بود، متن‌محور به معنی خاص یک فیلم مهم به عنوان اثری مستقل و به تفصیل، اما بیشتر متن مجموعه آثار هنرمند کمابیش به عنوان متنی به هم پیوسته. و با این همه، با وجود این که اصلی‌ترین مدارک این نوشته متن‌های خلق شده توسط یک هنرمندند، احساس من این است که دارم کتابی می‌نویسم درباره یک آدمی که فیلم ساخته، حرف زده، زندگی کرده و این نوشته هر اندازه متن‌محور، زندگی‌نامه‌ای نیز هست. در نهایت داستان آدمی است از دوران مدرسه تا آستانه کهنسالی که راهی پریچ و خم طی کرده و گاه

به مسیرهای ناخواسته رفته و ما در این راه با او همراه می‌شویم و سعی می‌کنیم او را بفهمیم.

از سوی دیگر، نگاه‌مان هر اندازه مولف‌گرایانه باشد، نمی‌توانیم از دگرگونی‌های شرایط اجتماعی که فیلمساز ما در آن کار کرده و نحوه‌ای که فیلمساز امکانات حرفه‌ای‌اش را در هر یک از این شرایط اداره کرده، چشم‌پوشیم. نگاه به زندگی یک هنرمند بزرگ با حذف شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه‌ای که او در آن کار کرده است، بخصوص وقتی از جمله این شرایط انقلابی باشد که شرایط فرهنگی جامعه را از این رو به آن رو کرد و مدتی سینما را به حال تعلیق در آورد و همین‌طور فروپاشی آن دوره در سطح جهانی و بی‌اعتبار شدن یکی از پرطرفدارترین ایدئولوژی‌های روشنفکری، از جمله در ایران و انقلاب دیجیتال در سطح رسانه‌ای. فیلمساز ما از همه این شرایط متأثر شده است و نشان خواهیم داد که برعکس آن چه مشهور است به هیچ‌وجه هنرمندی گوشه‌گیر و بی‌اعتنا به تغییرات اجتماعی نبوده است. تقسیم‌بندی این کتاب به سه دوره یک جا با ملاک تغییر شرایط سیاسی-اجتماعی کشور انجام گرفته است. دوره پیش و پس از انقلاب تقسیم شده، و جای دیگر، با دو ملاک: یک ملاک بیرونی که شرایط جدید تکنولوژی ساخت فیلم باشد و ملاکی درونی و یک تصمیم شخصی آناهانه برای تغییر مسیر و پایان دادن به دوره‌ای از فیلمسازی که در این کتاب به سواز دوره «زندگی ادامه دارد» از آن سخن رفته است.

این هم واقعیتی است که وقتی درباره یک فیلم در ران‌اتران آن می‌نویسیم و وقتی چهل سال بعد از ساخت آن، کارمان بسیار متفاوت است. فیلم‌های اولیه فیلمساز چه بسا از منظر بحث‌هایی که فیلم‌های متأخر برانگیخته‌اند، برای فهم بهتر فیلم‌های متأخر، مورد توجه قرار می‌گیرند. اهمیت آن‌ها دیگر تنها به عنوان متن‌های مجزا نیست، بلکه به خاطر جایگاهی است که در فهم کل آثار مولف بازی می‌کنند. مثلاً من شخصاً علاقه‌ای به فیلم‌های آموزشی ندارم، اما دقت در فیلم‌های آموزشی کیارستمی برایم نکاتی را درباره عقل‌گرایی او و روحیه منطقی‌اش روشن می‌کنند و از این منظر به آن‌ها علاقه‌مند می‌شوم.

نوشتن درباره فیلمسازی به شهرت کیارستمی با صدها مقاله و مصاحبه و کتاب‌های متعددی که درباره‌اش نوشته شده است، به این معنی هم هست که در خلاء نمی‌نویسی. آگاهانه یا ناخودآگاه، آشکارا یا در نهان، داری با کسانی مجادله می‌کنی که درباره او نوشته‌اند و سخن گفته‌اند. من مدعی نیستم که همه مقالات و کتاب‌هایی را که درباره عباس کیارستمی نوشته‌اند خوانده‌ام و یا می‌خواهم با دیدگاه‌های همه نویسندگان آن‌هایی که خوانده‌ام، وارد بحث شوم. اما تردید ننمید بخشی از مسائلی که در این کتاب مطرح می‌شوند پاسخ‌هایی هستند به استدلال‌هایی که برخی‌شان را در جای خود به نام می‌آورم و برخی دیگر را شاید خودم هر ندانم. یقیناً کیستند و تنها طرحی از ایرادی عمومی در ذهن داشته باشم. این که در مورد فیلم‌های عباس کیارستمی بسیار نوشته‌اند، نویسنده کتاب تازه‌ای درباره او را روبرو این پرسش قرار می‌دهد که برای چه دارد کتابی به اثبوه این نوشته‌ها اضافه کند؟ به عبارت دیگر، چه حرف تازه‌ای درباره او می‌زند و دیدگاهش چه تفاوت با دیدگاه‌های متداول درباره این فیلمساز دارد. همین جا بگویم که در این کتاب ایراد موضوع دنبال می‌شود:

تفاوت مهم دوره‌های گوناگون فیلمسازی کیارستمی و ارتباط هر دوره با ساختار اندیشه‌گی و روش‌فکری غالب در آن دوره. بخصوص تفاوت مهم فیلم‌های کیارستمی دوره پیش از انقلاب با فیلم‌های دوره جشنواره‌ای او و بخصوص با چند فیلمی که در آن‌ها مضمون «زندگی ساده دارد» را دنبال می‌کند. پی‌گیری نگاه کیارستمی به زن در سراسر دوره کاری‌اش. این که او آشکارا با نگاه‌های زن‌مدارانه و سخنان فمینیستی مخالف است. با یک نگاه ساده خصوصیتی برای زنان قائل است که چندان مثبت نیستند، بدون این که البته نگاه خصمانه یا اهانت‌آمیزی به آن‌ها داشته باشد. کیارستمی شخصاً از سخن گفتن در این باره اکراه دارد و بخصوص در خارج از کشور در این زمینه نه مورد سوال قرار می‌گیرد و نه (طبیعتاً) خود مایل است چیزی بگوید.

نگاه به کودک در آثار کیارستمی و جنبه اتوبیوگرافیک آن در ارتباط با دوره کودکی خود و دوره پدری‌اش. در این زمینه دو موضوع فوق‌العاده وجود دارد.

یکی این که او چگونه کارهای سفارشی درباره موضوعات کاملاً بیرونی را به مسائل شخصی اش گره می‌زند و دیگر این که نگاه به کودک باضافه نگاه به زن، در مجموع دیدگاهی درباره خانواده در جامعه مدرن را پیش می‌کشند که در عمق خود هم سنتی و عامیانه و هم مدرن و رادیکال است.

باور به وجود یک گرایش ضدروشنفکری یا پوپولیستی در همه دوره‌های کاری کیارستمی بخصوص در دوره دوم. در این کتاب سعی خواهیم کرد نشان دهیم که این گرایش فکری و احساسی کیارستمی متأثر از روحیه غالب زمانه است و در آن با بسیاری از فیلمسازان هم‌نسل خود شریک است. این موضوع نزد کیارستمی به شکل اعتقاد به عقل تعارف و یک جور منطق ساده‌ی دو دو تا چهارتا و بدبینی به دنیای کتابی، روشن‌تران و پیچیده کردن به زعم او بیهوده‌آموز نزد آنان، پیوند خورده است.

مشهورترین تم او پس از زندگی ادامه دارد است که عنوان خارجی یکی از فیلم‌هایش هم هست. او در گفت‌وگوهای یک دوره از فعالیت فیلمسازی خود نیز به تفصیل درباره الویت زندگی بر سبک سخن گفته است. من معتقدم این حرف در عین حال که درست است، در عین حال که واقعیت دارد که نگاه کردن به واقعه یک زلزله مرگبار از این زاویه نوعی دایره بکر و تروتازه است که باعث جذابیت آن می‌شود، اما در ادامه خود و با تکیه بر رابطه بعد زندگی و چشم بستن بر بعد مرگ یا فاجعه، سینمای او را به سمت تکرار و ساده‌انگاری سوق داده است. سیر این نگاه خوش‌بینانه به زندگی و نشان دادن رابطه آن با دیدگاه بدبینانه‌ای که پیش و پس از این دوره بر کارهای کیارستمی حاکم است یکی از حکم‌هایی است که این کتاب در پی اثبات آن است.

از سینمای کیارستمی به عنوان سینمایی ساده نام برده می‌شود. این سادگی از یک روی همان سادگی در اندیشه است که نزد مردمان عادی یافت می‌شود و دیگر سادگی تکنیکی. درباره سادگی تکنیکی و رابطه‌اش با میل به سادگی در حوزه اندیشه و نگاه به زندگی، در طول کتاب صحبت خواهیم کرد. سادگی تکنیکی آیا از سر ناچاری و نابلندی بوده است یا در تحلیل نهایی به ساختار فکری

ساده فیلمساز ارتباط پیدا می‌کند؟ ارتباط این موضوع با فقر فرهنگ سینمایی کیارستمی چیست؟ می‌دانیم که کیارستمی فیلم زیاد ندیده و نمی‌بیند. بر خلاف بیشتر فیلمسازان هم‌نسل‌اش که از کودکی «عشق سینما» بوده‌اند، او گفته است که به فکرش هم خطور نمی‌کرده روزی فیلمساز شود. تاثیر این پدیده بر تکامل یک زبان سینمایی آرژانتال نزد او چه بوده است؟ تجربه‌گری کیارستمی در سراسر عمر که یکی از وجوه بارز کارنامه هنری اوست، آیا معلول همین امر نیست؟

سینمای انسانی و گرم صفت دیگری است که به سبب فیلم‌های دوره میانه کار کیارستمی، به فیلم‌های او داده شده است. فیلم‌های او را به سبب کم‌رنگ بودن طرح‌ها، روایت‌ها، سینمای شاعرانه خوانده‌اند، آن‌ها را به سبب تکرارهایی که در برخی‌شان هست، به نقش‌های قالبی ایرانی یا گرایش‌های عرفانی تشبیه کرده‌اند و سرانجام به سبب شکسته شدن مرز صحنه و پشت صحنه در برخی از آن‌ها به پست مدرنیسم به سبب کرده‌اند که هریک از این توصیف‌ها محدود و برای تعداد معدودی از فیلم‌ها و یا بخش‌هایی از آن‌ها مناسب‌اند. این ادعاها در طول کتاب با تفصیل بیشتر و در زیبایی قرار خواهد گرفت.

در این کتاب توجه خاصی به فیلم‌های مستند کیارستمی خواهم کرد. و بخصوص خود را موظف می‌دانم درباره سینما از کارهای مستند او که بسیار مورد ستایش قرار می‌گیرند و مهم‌تر از همه، هم کارز آب، نمای نزدیک نگاه انتقادی خود را توضیح دهم.

و موضوعات دیگری که در متن کتاب خواهید خواند. آرزوی من این است که کتاب برای خواننده علاقه‌مند به سینمای ایران و فرهنگ ایران، و همین‌طور علاقه‌مندان مباحث اجتماعی و فرهنگی، چیز تازه‌ای برای عرضه داشته باشد.